

معرفی و نقد کتاب

تاریخ طوس او المشهد الرضوی

تاریخ طوس

او

المشهد الرضوی

مجله

التغیر الی اعشام المجله

مجله علمی

مجله علمی

نشریه اداره مجله (فرشده) هدیه مشترکین

مطبعة الانجاء - بغداد

۱۳۴۹

۱۹۲۷

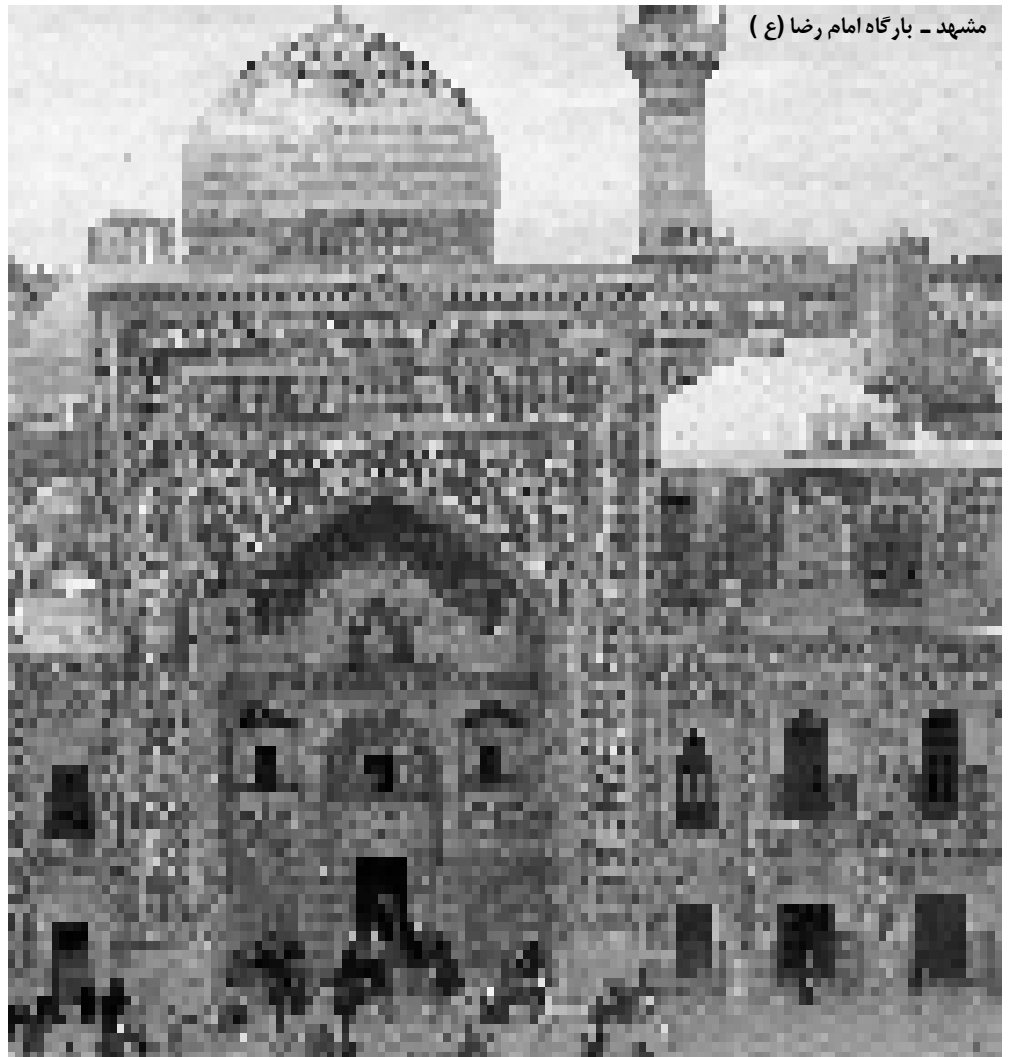
○ تاریخ طوس او المشهد الرضوی
○ تالیف: محمد مهدی علوی سبزواری
○ ناشر: مطبعة التجاح، بغداد، ۱۹۲۷ م، ۲۸ صفحه

○ ابراهیم بلوکی

ارائه شده بسیار درخور توجه است. بخش سوم نیز ترجمه احوال فشرده ای درباب زندگانی امام هشتم (ع) می باشد. درباره کتاب مورد بحث چند نکته لازم به ذکر است: نخست اینکه این کتاب در سال ۱۳۰۵ خورشیدی از سوی یک نشریه عربی در کشور عراق و به زبان عربی منتشر شده و تاکنون تجدید چاپ نگردیده است. نکته دیگر اینکه در کتاب مورد بحث علیرغم وجود مطالب مفید تاریخی، اشتباهاتی نیز به چشم می خورد که تصحیح این اشتباهات بر اعتبار کتاب خواهد افزود. و دیگر اینکه این کتاب کوچک تاکنون چندین بار به اشتباهی که باید مورد توجه و اعتنای محققین واقع نگردیده است، به طوری که حتی یک ترجمه مناسب هم از آن در دست نمی باشد. هر چند در سال ۱۳۴۹ خورشیدی یکی از محققین پرکار خراسان به فراخور نیازی موقتی ترجمه ای از این کتاب را به صورت مقاله ای در یک نشریه علمی معتبر محلی منتشر نمود. محقق مورد بحث در همان زمان تصریح نمود که کتاب مورد بحث حتی در تحقیقات خارجی به عنوان مآخذی برای معرفی شهر مشهد مورد استفاده قرار گرفته است. با این حال ترجمه آن محقق گرامی نیز دارای ایرادات و نواقصی می باشد. از این رو یک ترجمه مستند و کم اشتباه از نیازهای اولیه تاریخ طوس او المشهد الرضوی می باشد. (لازم به ذکر است که

کوچکی است که در آن به شکلی فشرده و مختصر آنچه درباره شهر مشهد به کار علاقه مندان می آید، گردآوری و تدوین گردیده است. کتاب مورد بحث از سه بخش تشکیل شده است. بخش اول در مورد شهر طوس [مشهد] است که در آن به صورتی فشرده و موجز اطلاعاتی در مورد موقعیت مکانی، محلات، جمعیت، مساجد جامع، آرامگاه ها و گورستانها، مدارس علمیه، مطبوعات و چاپخانه ها، و اهم وقایع تاریخی شهر مشهد ارائه شده است. دومین بخش کتاب مشخصاً به تاریخچه، و توصیف وضعیت حرم مطهر امام هشتم شیعیان در طول تاریخ تا زمان نگارش کتاب پرداخته است. جزئیاتی که در این بخش در مورد صحن های حرم و گنبد و مناره های آن

درباره شهر مشهد با توجه به اهمیت معنوی این شهر برای شیعیان، علیرغم تلاش های بسیاری که انجام گرفته تاکنون کار علمی و مستند تاریخی و جغرافیایی که همه زوایای حیات این شهر را پوشش بدهد، ارائه نشده است. تا به امروز در دهها و شاید صدها کتاب چه به صورت مستقل، و یا به صورت ضمنی و حاشیه ای مطالبی در رابطه با این شهر مهم به خوانندگان و علاقه مندان عرضه گردیده است. اما مهم ترین نقیصه همه این آثار ناکامل بودن مطالب می باشد. با این حال نمی توان این نکته را انکار کرد که هر یک از تلاش های صورت گرفته گامی در جهت شناساندن این شهر مقدس به جامعه کتابخوان بوده و می باشد. این نکته را می توان شامل همه نوشته هایی دانست که از قرن ها پیش تا به امروز درباره این شهر نگاشته شده است. خواه نوشته مورد بحث اثری شناخته شده همچون مطلع الشمس اثر اعتماد السلطنه باشد و یا گزارش گمنام و کمتر مورد توجه قرار گرفته ای چون تاریخ طوس تالیف محمد مهدی علوی سبزواری. محمد مهدی علوی سبزواری چنان که از نامش پیداست از اهالی خراسان بوده و آن گونه که توسط ناشر اثرش معرفی گردیده بخشی مهم از زندگانی خود را در عراق گذرانده است. از همین رو تاریخ طوس نیز به عربی نوشته شده است. تاریخ طوس او المشهد الرضوی کتاب



کتاب تاریخ و جغرافیا / خرداد و تیر ماه ۱۳۸۰
 ۱۰۷

کتاب تاریخ طوس از دو جنبه دارای اهمیت است نخست به خاطر مطالبی که می‌توان از این کتاب به عنوان یک منبع دست اول بدست آورد. دوم از جنبه کاربردی که همان ویژگی مختصر بودن به این کتاب داده است. به عبارت دیگر این کتاب نوعی راهنمای کوچک برای شهر مشهد دهه اول قرن چهاردهم خورشیدی است

ذکر گردیده^۵ هر چند اقتباس از آثار گذشتگان است اما به دلیل خلاصه بودن و در عین حال کافی بودن اطلاعات درخور توجه می‌باشد.

در نقل مطالبی که علوی سبزواری در تالیف کتاب خود از آن سود برده و مبتنی بر کتاب‌های متقدم می‌باشد، وی به چند گونه عمل نموده است. از جمله در قسمت معرفی مساجد جامع مشهد، تحلیل و جدای بررسی از نظر صحت یا سقم آن نقل نموده است.

برای مثال در جایی مانند سایر تاریخ نویسان پیش از خود بدون تحلیل و تفسیر به وجود محلی موسوم به «مسجد پیره‌زن» در مسجد گوهرشاد اشاره کرده است^۶ حال آنکه برخی افراد با استناد به دلایلی معتقدند که قصه مسجد پیرزن از اصل معمول می‌باشد.^۷ و یا در معرفی محل موسوم به مسجد شاه، علوی نیز همچون دیگران این محل را مسجد می‌داند. حال آنکه شکل محل به وضوح کاربرد آنرا به عنوان مسجد مورد تردید قرار می‌دهد. مضاف بر اینکه طی دهه‌های اخیر به دست آمدن چند سنگ قبر از این محل، ثابت کرد که محل مورد نظر نه مسجد بلکه آرامگاه بوده است.^۸

از دیگر موارد گزارش بدون توجه به صحت و سقم مطالب در این کتاب، شرحی است که مؤلف درباره مقبره موسوم به «گنبد خستی» ارائه نموده و طی آن گزارش، مطالب پیشینیان را نقل کرده است.^۹ در این مورد نکته

می‌باشد و به نوعی به کتاب ویژگی یک منبع دست اول را می‌دهد. نمونه این دست مطالب، ذکر تعداد و نام محلات شهر مشهد در سال ۱۳۰۵ خورشیدی است.^۲ علوی تعداد محلات شهر را شش محله نوشته که با توجه به آنچه دکتر علی شریعتی در راهنمای خراسان در باب تعداد محلات مشهد در قرن هشتم هجری از قول حافظ ابرو آورده؛ و نیز با توجه تعداد محلات مشهد دوره رضاشاهی که توسط همین محقق بیان شده^۳، و همچنین با در نظر گرفتن مطالب مطلع الشمس در همین باب^۴ می‌توان چنین استنباط کرد که علوی سبزواری تنها به ذکر نام محلات اصلی شهر مشهد اکتفا کرده است. نکته دیگری که از سوی علوی درباره این شهر بیان شده و قابل توجه می‌باشد آمار جمعیت مشهد در زمان نگارش کتاب است که «یکصد هزار نفر» قید شده و به خوبی پیداست که این آمار هم مانند آمار پیشینیان مبتنی بر حدس و تقریب می‌باشد. حداقل نتیجه چنین استنباطی آن است که محقق درمی‌یابد تا این زمان و حتی تا سال‌ها بعد هنوز هیچ آمار رسمی و معتبری از جمعیت شهر مهمی همچون مشهد در دست نبوده است. در عین حال همین ارقام حدسی در صورت مقایسه و تحلیل می‌تواند مبنای تحلیلهای تاریخی قرار گیرد.

تاریخچه مختصری که در چند سطر توسط محمد مهدی علوی درباره آغاز شکل‌گیری شهر مشهد

ترجمه‌ای از این متن جهت ارزیابی کارشناسی در اختیار یکی از نشریات علمی و تخصصی معتبر شهر مشهد قرار گرفته که در آینده منتشر خواهد شد.)

اما دومین نیاز چنین کتابی، توجه و عنایت کافی برای تصحیح علمی و سپس انتشار آن به صورت کتابی مستقل می‌باشد.

کتاب تاریخ طوس به دلیل نگارش در نخستین سال‌های قرن چهاردهم خورشیدی دارای اهمیت ویژه‌ای می‌باشد. مشهد ترسیم شده در این کتاب از یکسو در پشت سر خود مشهد قدیم را با تمامی ویژگی‌های آن دارد و از سوی دیگر در پیش روی خود سالهای نخستین حکومت رضا شاه را که طی آن، مشهد نیز همچون بسیاری شهرهای دیگر دچار نوسازی‌های بی‌برنامه حکومتی گردید و بخش‌های مهمی از ابنیه و عمارات قدیمی خود را از دست داد.

مؤلف در بیان مشخصات شهر مشهد، پس از بیان موقعیت جغرافیایی وارد مرحله ارائه اطلاعات شده و در آغاز شکل شهر را توصیف می‌نماید. وی مشهد را به شکل یک پلنگ خفته تشبیه می‌کند که مقایسه آن با قدیمی‌ترین نقشه ترسیمی این شهر (به جای مانده از ۱۸۷۵ میلادی)، جالب و مفید می‌باشد.

یکی از جنبه‌های اهمیت تاریخ طوس، آمار و اطلاعاتی است که مربوط به سال یا سالهای تالیف کتاب

یکی از ویژگی‌های مهم کتاب تاریخ طوس که در مقایسه با سایر منابع اهمیت مضاعف می‌یابد، ارائه فهرستی از مدارس قدیمی شهر مشهد می‌باشد که در یکی دو مورد حتی اطلاعات موجود در این کتاب، با تنها مطلب موجود و یا از معدود مطالب مستند موجود درباره مدارس علمیه مشهد می‌باشد

در معرفی اجزاء مجموعه آستان قدس، علوی سبزواری اشاره‌ای به موضوع طلاکاری‌های حرم مطهر دارد که از شاه طهماسب صفوی آغاز و به نادرشاه افشار ختم گردیده است. در این قسمت، ثبت متن عربی کتیبه‌های حرم از نکات جالب توجه کتاب به شمار می‌رود

تاریخ طوس اوالمشهد الرضوی کتاب کوچکی است که در آن به شکلی فشرده و مختصر آنچه درباره شهر مشهد به کار علاقه‌مندان می‌آید، گردآوری و تدوین گردیده است

(نیرالدوله) و برخی از اقدامات اصلاحی او^{۳۷} از دیگر ویژگی‌های بخش اول کتاب می‌باشد.

در این بخش یکی از نقاط ضعف کتاب آنست که در بیان خلاصه تاریخ مشهد، گاه خلاصه نویسی به نقص مطالب گراییده و گاه حتی به اشتباه نویسی تاریخ انجامیده است. نمونه این نقیصه را می‌توان در موارد زیر مشاهده کرد: عدم اشاره به مرمت آرامگاه امام رضا(ع) در اوایل قرن پنجم^{۳۸} و اواسط قرن ششم هجری قمری^{۳۹}؛ همچنین عدم اشاره به یکی از سخت‌ترین حملات ازبک‌ها به مشهد در سال ۹۳۲ هجری که به محاصره‌ای طولانی کشید و با سقوط شهر به پایان رسید.^{۴۰}

یکی دیگر از موارد اشتباه در ثبت تاریخ که بدون توجه به صحت و سقم از سوی علوی سبزواری صورت گرفته، موضوع فتنه سالار در دوره محمدشاه و ناصرالدین شاه قاجار است که به شکلی ناقص و اشتباه در تاریخ طوس ثبت شده است.^{۴۱}

بخش دوم کتاب تاریخ طوس اوالمشهد الرضوی یکسره به توصیف بخش‌های مختلف مجموعه حرم مطهر پرداخته و البته در خلال آن اشاراتی هم به تاریخ صورت گرفته است. این بخش با یک توصیف ادبی آغاز و با اشاره‌ای به نوشته‌های برخی کتیبه‌های مربوط به قرون ششم و هفتم هجری در مجموعه حرم مطهر ادامه یافته است.^{۴۲} سپس نویسنده با مروری کوتاه بر نحوه تبدیل یک باغ به آرامگاه کنونی و بایادی از چند مرتبه تخریب و ترمیم مجموعه آستانه، به دوره صفوی پرداخته که یکی از مهم‌ترین ادوار تاریخ آستان قدس رضوی به شمار می‌رود.^{۴۳} نکته قابل توجه در این قسمت که به عنوان نقیصه کار علوی سبزواری قابل بررسی است ولی در عین حال منحصر به او هم نیست، این که وی در بیان ادوار مختلف تخریب و ترمیم مجموعه آستان قدس، آن‌گاه که به وقایع سال ۱۹۱۲ میلادی و حمله روس‌ها می‌رسد با کمترین اشاره‌ای از کنار موضوع می‌گذرد و تنها به ذکر مرمت مجموعه توسط نیرالدوله حاکم خراسان بسنده می‌کند.^{۴۴} این نوع برخورد با مسئله تهاجم نیروهای روس به حرم مطهر را در نوشته‌های مربوط به

فهرستی از مدارس قدیمی شهر مشهد می‌باشد که در یکی دو مورد حتی اطلاعات موجود در این کتاب، یا تنها مطلب موجود و یا از معدود مطالب مستند موجود درباره مدارس علمیه مشهد می‌باشد. در این قسمت علوی تعداد مدارس شهر را بیست باب دانسته و با ذکر این که همه این مدارس دارای اوقاف می‌باشند، به معرفی شانزده مدرسه می‌پردازد.^{۴۵} این در حالی است که ولادیمیر خاینکوف در سال ۱۸۵۸ میلادی تعداد مدارس مشهد را چهارده باب^{۴۶}، هوتم شیندلر در سال ۱۲۹۳ قمری چهارده باب^{۴۷} و اعتمادالسلطنه در سال ۱۳۰۰ قمری شانزده باب^{۴۸} ذکر کرده‌اند. مقایسه این فهرست‌ها با یکدیگر و بویژه با فهرست علوی سبزواری، می‌تواند سیر کاهش و افزایش یا ساخت و تخریب فضاهای علمی آموزشی مشهد را نشان دهد. به ویژه تعیین موارد تفاوت این فهرست‌ها با هم دارای اهمیت می‌باشد. در این میان ویژگی نوشته‌های علوی سبزواری درباره مدارس مشهد، معرفی دو باب «مدرسه مستشار»^{۴۹} و «مدرسه نو»^{۵۰} می‌باشد که علیرغم مختصر بودن گزارش، صرف نام بردن از این دو مدرسه در بررسی تاریخ اجتماعی - فرهنگی مشهد اهمیت دارد چرا که در بسیاری از منابع حتی همین ذکر نام‌ها هم مشاهده نمی‌شود.

نمونه دیگر از اطلاعات در خور توجه و ارزشمند کتاب مطالبی از مطبوعات شهر مشهد در سال‌های آغاز حکومت رضاشاه است. البته از این نکته نباید غافل شد که آنچه توسط علوی سبزواری به عنوان نشریات مشهد معرفی شده نه تمام مطبوعات شهر در آن مقطع زمانی است و نه ذکر نام آن نشریات توسط علوی دلیل بر انتشار نشریه در آن برهه می‌باشد. اما صرف نام بردن از همین سیزده نشریه^{۵۱} خود برای محققان تاریخ مطبوعات مشهد ارزشمند است و مانند موارد متعدد دیگر همچون اشاره به چاپخانه‌های این شهر در آن مقطع زمانی^{۵۲}، به کتاب جنبه یک منبع تحقیقی دست اول می‌دهد.

اشاره به یکی از منابع آب مشهد قدیم به نام «آب میرزا»^{۵۳}؛ اشاره به وضعیت دو خیابان معروف مشهد که از دوره صفوی به جا مانده^{۵۴}؛ معرفی یکی از حکام مشهد

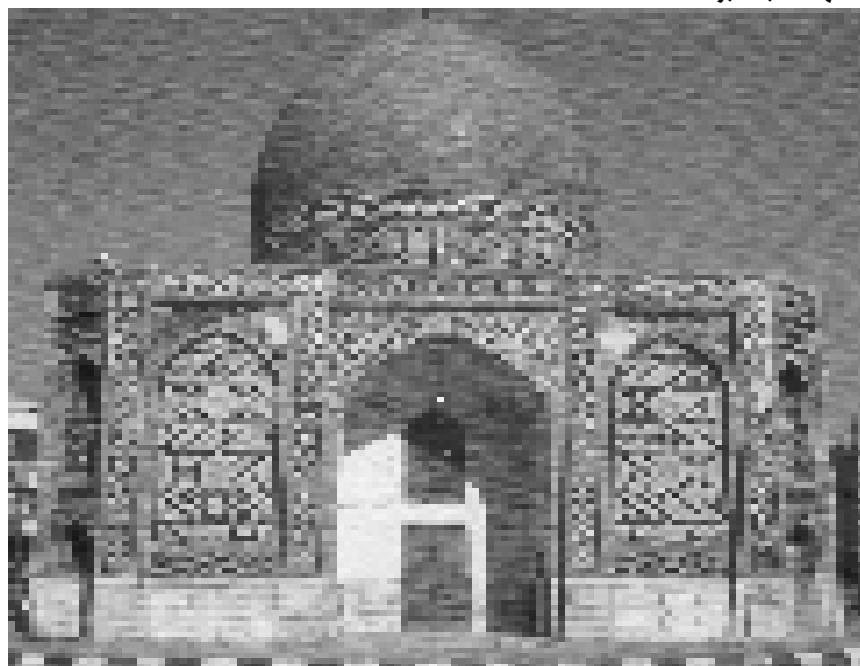
جالب توجه آن که به گفته یکی از محققین معاصر (مهدی سیدی)، آنچه همه نویسندگان تاریخ و جغرافیای مشهد از قول مطلع الشمس نقل و تکرار نموده‌اند و حتی نویسندگان دهه‌های اخیر هم آنرا بیان کرده‌اند، نادرست می‌باشد و کمتر کسی کوشیده تا با مراجعه به سنگ قبر موجود در محل، این روایات نادرست ولی مکرر را تصحیح کند.

نوع دیگر برخورد علوی سبزواری با روایات پیش از خود آنست که وی با وجود آنکه سعی در انعکاس مطالب علمی و کامل ندارد، در عین حال عدم نقل مطالب دیگران را بهتر از ذکر آنها بدون اطمینان از صحت آنها دانسته است. نمونه این کار را می‌توان در گزارش او از مقبره موسوم به «پیرپالاندوز» مشاهده کرد که وی با گفتن جمله «فردی که در اینجا مدفون است نشناختم»^{۵۵} از بیان مطلبی که در مورد آن اطمینان ندارد خودداری می‌کند. در حالیکه دیگران نام کامل فرد مدفون در آن محل را بیان کرده‌اند.^{۵۶}

در نگارش برخی مطالب تاریخی با وجود آنکه نظر سایر نویسندگان حتی نظر غالب بوده است، علوی تشخیص خود را بر تکرار نظر دیگران ترجیح داده است. نمونه این موارد را می‌توان در گزارش او از زندگی خواجه ربیع بن خثیم خواند که علوی علیرغم نوشته همه پیشینیان معتقد است خواجه ربیع به دلیل اشتغال به والیگری ری در جنگ صفین حضور نداشته است،^{۵۷} و این خلاف نظر پیشینیان (مانند لاریجانی^{۵۸}) یا حتی محققین دهه‌های اخیر همچون مقری^{۵۹} و دکتر شریعتی^{۶۰} می‌باشد.

در توصیف و شرح مقبره موسوم به «گنبد سبز»، مؤلف به یک موضوع جالب توجه اشاره می‌کند و آن حضور دائمی درویش در آن محل می‌باشد.^{۶۱} این موضوع در بررسی تاریخ اجتماعی و مذهبی ادوار مختلف شهر مشهد می‌تواند نکات جالب توجه‌ای را برای محققان روشن سازد.

یکی از ویژگی‌های مهم کتاب تاریخ طوس که در مقایسه با سایر منابع اهمیت مضاعف می‌یابد، ارائه



کتاب تاریخ طوس به دلیل نگارش در نخستین سال‌های قرن چهاردهم خورشیدی دارای اهمیت ویژه‌ای می‌باشد. مشهد ترسیم شده در این کتاب از یکسو در پشت سر خود مشهد قدیم را با تمامی ویژگی‌های آن دارد و از سوی دیگر در پیش روی خود سالهای نخستین حکومت رضا شاه را که طی آن، مشهد نیز همچون بسیاری شهرهای دیگر دچار نوسازی‌های بی‌برنامه حکومتی گردید و بخش‌های مهمی از ابنیه و عمارات قدیمی خود را از دست داد

همان دوره هم می‌توان مشاهده کرد، از جمله در نسخه خطی چاپ نشده تاریخ و جغرافیای شهر مشهد اثر محمدبن محمدعلی لاریجانی که در آنجا هم نویسنده به دلایل نامشخص، علیرغم احاطه زمانی و مکانی بر موضوع، از پرداختن به واقعه خودداری کرده و تنها به سرودن دو قطعه شعر طولانی در مورد آن مسئله اکتفا کرده است.^{۳۵}

در معرفی اجزاء مجموعه آستان قدس، علوی سبزواری اشاره‌ای به موضوع طلاکاری‌های حرم مطهر دارد که از شاه طهماسب صفوی آغاز و به نادرشاه افشار ختم گردیده است. در این قسمت، ثبت متن عربی کتیبه‌های حرم از نکات جالب توجه کتاب به شمار می‌رود. تاریخ مختصر صحن عتیق حرم نیز از دیگر ویژگی‌های این بخش از کتاب است. نویسنده در توصیف صحن عتیق، ایوان عباسی را که ساخته شاه عباس صفوی می‌باشد با ایوان نادری که توسط نادرشاه افشار ساخته شده، اشتباه گرفته است.^{۳۶} اگر چه این کار از روی عدم آگاهی نبوده و نامبرده به خوبی بر نقش نادرشاه آگاهی داشته، تا آنجا که نام او را با صفت «نابلئون شرق» به عنوان سازنده بخش‌هایی از حرم یادآوری نموده است.

سومین بخش کتاب تاریخ طوس مروری است بر زندگانی امام رضا (ع) که با ذکر مختصری از نسب آن امام آغاز و با بیان تاریخ ولادت و شهادت ایشان ادامه می‌یابد.^{۳۷} استناد به نظر غالب در میان شیعیان در مورد نحوه شهادت امام هشتم و معرفی یکی از علمای سرشناس شیعی که این نظر را قبول ندارد، از نکات درخور توجه این قسمت به شمار می‌رود.

ذکر مختصری از تاریخ سیاسی دوران حکومت مامون و نحوه روند پذیرش ولایتعهدی از سوی امام رضا (ع) که به صورت فشرده بیان شده، علیرغم اینکه از میان دهها کتاب معروف شیعی با استناد به یک کتاب کمتر شناخته شده تهیه گردیده است، قابل تامل می‌باشد.^{۳۸}

پایان بخش کتاب تاریخ طوس اوالمشهد الرضوی، معرفی گونه‌ای است از مؤلف اثر، به قلم مدیر مجله المرشد که بانی انتشار کتاب بوده است.

* * *

کتاب تاریخ طوس با وجود اختصار و فشرده‌گی مطالب، یکی از کتابهای مفید درباره تاریخ مشهد می‌باشد که از دو جنبه دارای اهمیت است. نخست به خاطر مطالبی که می‌توان از این کتاب به عنوان یک منبع دست اول بدست آورد. دوم از جنبه کاربردی که همان ویژگی مختصر بودن به این کتاب داده است. به عبارت دیگر این کتاب نوعی راهنمای کوچک برای شهر مشهد دهه اول قرن چهاردهم خورشیدی است. مقایسه این اثر با کتاب‌هایی که در دهه‌های بعد توسط محققین دانشگاه دیده نگاشته شده، می‌تواند در بررسی تاریخ شهر مشهد از قدیم تا به امروز، کمک زیادی به علاقه‌مندان تاریخ این شهر در پژوهشهای تاریخی بنماید.

پی نوشت‌ها:

- ۱- علوی سبزواری، محمدمهدی: تاریخ طوس اوالمشهد الرضوی، ترجمه تقی بینش، نشریه فرهنگ خراسان، سال (دوره) هفتم (۱۳۴۹)، شماره اول.
- ۲- علوی سبزواری، محمدمهدی: تاریخ طوس اوالمشهد الرضوی، مطبعة النجاش، بغداد، ۱۹۲۷ میلادی، ص ۴.
- ۳- شریعتی، علی: راهنمای خراسان، چاپ دوم، انتشارات الفبا، مشهد، ۱۳۶۳، ص ۴.
- ۴- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان: مطلع الشمس، به کوشش محمد پیمان، چاپ افست، ج دوم، ص ۱۷.
- ۵- علوی سبزواری، پیشین، صص ۴-۵.
- ۶- همان، ص ۶.
- ۷- عطاردی، عزیزالله: تاریخ آستان قدس رضوی، ج دوم، انتشارات عطارد، بی جا، ۱۳۷۱، صص ۷۴۴-۷۴۰.
- ۸- مقری، علی اصغر: بناهای تاریخ خراسان، اداره کل فرهنگ خراسان، مشهد، ۱۳۵۹، صص ۹-۱۱ نیز سیدی، مهدی: «مسجد شاه مقبره است نه مسجد»، فصلنامه خراسان پژوهی، سال اول شماره اول، ۱۳۷۷.
- ۹- علوی سبزواری، پیشین، ص ۸.
- ۱۰- همان، ص ۸.

۱۱- برای نمونه رک لاریجانی، محمدبن محمدعلی داعی الاسلام: تاریخ و جغرافیای شهر مشهد، نسخه خطی چاپ نشده به شماره ۲۳۲۸۲ کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد آستان

- قدس رضوی رضوی. بدون صفحه شمار.
- ۱۲- علوی سبزواری، پیشین، ص ۹.
 - ۱۳- لاریجانی، پیشین، بدون صفحه شمار .
 - ۱۴- مقری، پیشین، ص ۴۳.
 - ۱۵- شریعتی، پیشین، ص ۱۴۲ .
 - ۱۶- علوی سبزواری، پیشین، ص ۹.
 - ۱۷- همان، صص ۹-۱۲.
 - ۱۸- خانیکوف، ولادیمیر: سفرنامه خانیکوف، ترجمه اقدس یغمایی و ابوالقاسم بی گناه، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۵، ص ۱۱۹.
 - ۱۹- سه سفرنامه، گردآوری و ترجمه قدرت‌الله روشنی، چاپ دوم، انتشارات توس، تهران، ۲۵۳۶، ص ۲۰۳.
 - ۲۰- اعتمادالسلطنه پیشین، ج دوم، صص ۲۹ - ۲۵.
 - ۲۱- علوی سبزواری، پیشین، ص ۱۰.
 - ۲۲- همان، ص ۱۱
 - ۲۳- همان، ص ۱۲
 - ۲۴- همان، ص ۱۲.
 - ۲۵- همان، ص ۱۳.
 - ۲۶- همان، ص ۱۳.
 - ۲۷- همان، صص ۱۴ - ۱۳.
 - ۲۸- شریعتی، پیشین، ص ۶۴.
 - ۲۹- همان، ص ۶۵.
 - ۳۰- مدرس رضوی، محمدتقی: سالشمار وقایع مشهد در قرن‌های پنجم تا سیزدهم، به کوشش ایرج افشار، آستان قدس رضوی رضوی، مشهد، ۱۳۷۸، صص ۴۵ - ۴۴.
 - ۳۱- علوی سبزواری، پیشین، ص ۱۶.
 - ۳۲- همان، ص ۱۷.
 - ۳۳- همان، صص ۲۲ - ۱۸.
 - ۳۴- همان، ص ۱۸.
 - ۳۵- لاریجانی، پیشین، بدون صفحه شمار.
 - ۳۶- علوی سبزواری، پیشین، ص ۲۱.
 - ۳۷- همان، ص ۲۳.
 - ۳۸- همان، صص ۲۵ - ۲۴.